

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته روزمره ام

بررسی فاکتور افغانستان در سیاست کشورهای منطقه

اهمیت مدل سازی معادلات ساختاری

افغانستان، کشوری با تاریخ باستان

قانون‌گرایی یا نهادستیزی؟
رسالت جهانی و نظامیگری
چهره‌های تأثیرگذار
رسانه و شورش

قبل از طرح موضوعات در زمینه مورد نظر، اندر باب معادلات ساختاری بصورت موجز و فشرده باید متذکر گردید که: مدل سازی معادله ساختاری را می‌توان بمتابه روشی پنداشت که به محقق یاری می‌رساند تا بررسی و تحقیقش را از مطالعات نظری و تدوین آنها گرفته تا تحلیل داده‌های تجربی، در قالبی چند متغیره سامان بخشد. این روش، محقق را به پیچیدگی‌های زندگی اجتماعی و همچنین پیچیدگی‌های موجود در اندازه‌گیری موارد پنهان فرهنگی و اجتماعی نزدیک کرده و بنابراین تحلیل کمی از پدیده‌های کیفی را به لحاظ روش شناختی، دقیق‌تر و به لحاظ کاربردی واقع بینانه‌تر می‌سازد. مدل سازی به پژوهشگر یاری می‌رساند تا الگوی نظری را که از اجزای مختلف و متنوعی تشکیل یافته، هم به طور کلی و هم به گونه جزئی مورد آزمون و بررسی قرار دهد. اینکه آیا داده‌های گردآوری شده از یک نمونه، کلیت الگوی نظری تدوین شده را مورد حمایت قرار می‌دهد یا خیر، کدام یک از اجزای الگوی نظری مدون با توجه به داده‌های گردآوری شده مورد تأیید قرار می‌گیرند و کدام یک نیاز به تغییر دارند و یا قابل اصلاح و یا حذف می‌باشند. عبارت دیگر مدل سازی نه تنها در آزمون فرضیه‌های تک متغیره و دو متغیره محقق را یاری می‌رساند، بلکه بصورت همزمان با بهره‌گیری از مدل سازی می‌توان به آزمون فرضیه‌های چند متغیره دست زد که علاوه بر موثر شدن متغیرها بر یکدیگر، دقت اندازه‌گیری متغیرهای پنهان نیز مورد ملاحظه قرار گرفته است. مدل سازی معادله ساختاری به طور معمول ترکیبی از مدل‌های اندازه‌گیری و مدل‌های ساختاری اند. بر مبنای مدل‌های اندازه‌گیری، محقق تعریف می‌کند که کدام متغیرهای مشاهده شده معرفت‌های اندازه‌گیری کدام متغیرهای پنهان هستند و بر پایه مدل ساختاری مشخص می‌شود که کدام متغیرها با یکدیگر همیشه اند. به این ترتیب با بهره‌گیری از این مدل‌ها می‌توان به طور همزمان به ارزیابی کیفیت سنجش متغیرها و مقبولیت اثرات مستقیم و غیرمستقیم و همچنین تعامل‌های تعریف شده میان متغیرها پرداخت.

اکنون به صورت مشخص در مورد کشور عزیز ما باید گفت که افغانستان، سرزمینی با تاریخ کهن و سنن پرافتخار شناخته می‌شود. اراضی جغرافیایی کشور در تقاطع مسیرهای تجاری و مهاجرت قرار گرفته

و بمثابه وصل کننده شرق و غرب بشمار می آید. موقعیت کشورما سبب گردیده تا در امر مناسبات با کشورهای منطقه از اهمیت بسزایی برخوردار گردد. افغانستان از لحاظ موجودیت معادن و ذخایر سرشار انرژی در اراضی آن، یکی از کشورهای غنی محسوب گردیده و اما استفاده و بهره برداری از آنهمه امکانات موجود در کشور، به دلیل نا امنی و تداوم جنگ و زد و خوردهای مسلحانه، در وضعیت کنونی با مشکل مواجه گردیده است. افغانستان عزیزما از رهگذر انکشاف اقتصادی در سطح نازلی قرار داشته و متأسفانه کشور فقیری به شمار می رود. از رهگذر مرزهای طبیعی، افغانستان در نتیجه عملکردها و اقدامات استعمار، کشوری محاط به خشکه گردیده و از دسترسی به بحر آزاد محروم ساخته شد.

متذکر باید گردید که متأسفانه از نخستین روزها و ماههای سال ۲۰۰۱ جنگ و نبردهای مسلحانه در اراضی کشورما آغاز و زدهای خونینی میان نیروهای بین المللی تأمین امنیت (ایساف) به رهبری ایالات متحده از یکجانب و نیروهای مسلح مخالف از جانب دیگر آغاز گردیده و تا کنون با افت و خیزهایی همچنان ادامه دارد. ایالات متحده با ورود به کشورما فعالیت های محاروبی اش را تحت عنوان "آزادی پایدار" در پاسخ به حملات یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ آغاز نمود. اداره و اشنگتن از اصل مبارزه علیه "القاعده" بمثابه مهمترین عامل انجام و بسر رسانیدن عملیات محاروبی استفاده ابزاری بعمل آورد. چنین تصور گردید که رهبری گروه "القاعده" با فرود آمدن نیروهای خارجی در اراضی افغانستان، محل قبلی شان را که در اراضی متعلق به کشورما موقعیت داشت، ترک گفته، به قلمرو پاکستان نقل مکان نموده و عملیات تروریستی گروه نامبرده از آنجا در مناطق مورد نظر در بسا نقاط و اطراف و اکناف جهان از جمله در کشور عزیزما افغانستان اجرا و عملی می گردید. گرچه "طالب"ها از ارتباطات و مناسبات مستقیم و غیر مستقیمی با "القاعده" برخوردار بودند، اما خود را و فعالیت ها و عملکرد های شان را در چهارچوب و قالب سلسله اقدامات افغانی و ملی می پنداشتند و نه جنبش و حرکت فراملی. این مسأله باید خاطر نشان گردد که در گام نخست، فاکتور افغانستان برای امنیت کشورهای آسیای مرکزی بمفهوم عام کلمه و برای هر دولت و حاکمیت سیاسی بمفهوم خاص کلمه از اهمیت قابل توجهی برخوردار می باشد. منطقه یادشده، تنها محلی در جهان محسوب می گردد که بصورت کامل توسط دول و حاکمیت های دارای تسلیحات اتمی از جمله هندوستان، چین، روسیه، پاکستان و پوتانسیال های موجود در ایران و همچنان ترکیه که عضو "ناتو" نیز محسوب می گردد، احاطه گردیده است. در منطقه متذکره همگرایی موجود اقتصادی و ژئوپولیتیکی از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد، اما علاوه بر آن، سناریوهای متعدد زد و خوردها و برخوردهای مسلحانه نه تنها میان ابرقدرت ها بلکه زمینه ها و امکانات آغاز درگیری های بین الحکومتی در منطقه نیز عملاً موجود می باشد.

ثانیاً، در شرایط و وضعیت کنونی در منطقه ما نوار وسیعی از عوامل بی ثباتی دامن گسترده و تشنج دوامدار بصورت واضحی به مشاهده می رسد که از جمله می توان تجارت مواد مخدر در کشور و منطقه، مهاجرت های غیرقانونی، بنیادگرایی مذهبی، موجودیت شبکه گسترده ای از فساد و تروریسم را در اینمورد نام برد. موضعگیری کشورها در قبال مسأله افغانستان به دلیل موقعیت جغرافیایی کشورما، موجودیت نوار مرزهای طولانی که بر اساس ترکیب اتنیکی و منافع قومی در حوزه های مختلف مشخص می گردند، کاملاً از هم متفاوت می باشند. در کنار سایر مراجع، به اهمیت سازمان پیمان امنیت جمعی، ضرورت سازمان همکاری های شانگهای، نقش کشورهای مستقل مشترک المنافع، موجودیت سازمان ملل و سلسله سازمان ها و تشکل هایی که معاونت ها و کمک های بشردوستانه را به باشندگان مستحق کشورما مبدول داشته و همچنان به معاونت های وسیع طبی و صحنی کمیته بین المللی صلیب سرخ و سره میاشت به باشندگان کشورما، باید عطف توجه صورت گیرد، در برنامه های توزیع مواد غذایی نیز اقداماتی بعمل آمده است که قابل یادآوری می باشد.

شایان تذکر پنداشته می شود که اهمیت افغانستان (بصورت یک کل)، ضرورت ایجاد سازمان همکاری های شانگهای عمدتاً بمنظور همکاری و همیاری های متقابل و ایجاد تشکل ضد تروریستی در منطقه را در دستور روز قرار داد. اقدام فوق، بصورت قطع، در زمینه یادشده گام سالمی محسوب می گردد. اما بمنظور موثریت اقدامات ضد تروریستی، میان کشورهای عضو سازمان متذکره بحث وسیعی براه افتاد. همچنان بمنظور حل و فصل سیاسی قضایای کشور، بسیاری از سازمان ها و تشکل های سیاسی و اقتصادی نیز در زمینه سعی ورزیدند. پس از ایجاد و استقرار پایگاههای نظامی امریکایی و متحدین و هم پیمانان آنها در آسیای میانه، در قبال سازمان هایی از قبیل سازمان همکاری های شانگهای، مسأله همکاری های ائتلاف ضد تروریستی که مبارزه علیه "طالب"ها در کشور ما را بمنابه سرلوح فعالیت ها و اقدامات شان قرار داده بودند، مطرح بحث قرار گرفت.

به تداوم مطلب مورد نظر باید یادآور شد که بحث کشورهای وابسته به دسته بندی های اقتصادی و یا نظامی بخصوص در آسیای میانه و منطقه مربوط به آن مملو از عوارض و پیچیدگی هایی نیز می باشد. اما از جمله عمده ترین مسأله ای که در قبال کشورهای متذکره قرار می گیرد، یکی هم سهمگیری فعال و مثبت در امر تأمین امنیت منطقه می باشد. در این عرصه از موجودیت تقابل منافع و گوناگونی اهداف سازمان های اجتماعی- اقتصادی موجود و ناتو در محل و موقعیت متذکره نباید طفره رفت. در نهایت امر، باید متذکر گردید که آیا حضور ایالات متحده در منطقه بمنابه واقعیت پذیرفته شده و غیر قابل انکار محسوب می گردد؟ و همچنان این مسأله که حضور و موجودیت قوت های نظامی آن کشور و ناتو (بمنابه یک مجموعه)، موفق به حل و فصل چه قضایایی خواهند شد، جای سوال دارد.

در اینمورد باید متوجه بود که حاکمیت های سیاسی و سازمان های اجتماعی- اقتصادی منطقه در حل و فصل عمومی ترین و کلی ترین مسایل مربوط به محل نامبرده از جمله در بخش همگرایی اقتصادی، موفقیت هایی را نصیب گردیدند. نقش و سهمگیری سازمان همکاری های شانگهای در حل و فصل قضایای موجود در کشور ما از اهمیت فوق العاده مهمی برخوردار بوده و همچنان عملکردها و تصورات سازمان متذکره بر این باور استوار می باشد که بمنظور حل و فصل قضایای موجود در افغانستان، قبل از سایر موارد، امکان ایجاد و پیدایی وضعیت سالم اقتصادی در کشور از اهمیت قابل ذکری برخوردار می باشد. تجربه نشان می دهد که ثبات در کشور عزیز ما نه تنها در برگیرنده سوالها و موضوعات نظامی- سیاسی، بلکه شامل موارد اقتصادی و فرهنگی نیز می گردد. در نتیجه فعالیتها و عملکردهای نظامی، قبل از هم این مردمان ملکی اند که بیش از دیگران آسیب دیده و بمنابه عمده ترین قربانی زد و خوردها و برخوردهای نظامی محسوب می گردند.

نباید فراموش نمود که بدون در نظر داشت فاکتور افغانستان و یا کم بهأ دادن به آن، تأمین امنیت در مجموعه قلمرو مربوط به آسیای مرکزی ناممکن به نظر رسیده و در نهایت امر، امنیت معیوب به ارمان خواهد رسید، چه، ساحه و قلمرو یاد شده، منطقه و محلی بشمار می آید که در آن امورتجارت و مهاجرت به مفهوم وسیع آن متمرکز می باشد.

همچنان تذکر این مهم لازمی پنداشته می شود که به دلیل موجودیت فاکتورهای مختلف در زمینه، منطقه مربوط به آسیای مرکزی بمنابه یک مجموعه کلی، بصورت منحصر بفردی در مسایل ژئوپولیتیک کشورهای پیشرفته جهان نقش بخصوصی ایفا می نماید. مشخصه وضعیت در کشور عزیز ما، به یقین کامل که در نوعیت و چگونگی اوضاع در کشورهای همجوار نیز موثر واقع خواهد شد که این تأثیر گذاری، امر ناگزیر و پذیرفته شده تلقی می گردد.

وضعیت نظامی و جنگی در کشور، بصورت جدی به مانعی در امر انتقال انرژی مبدل گردیده است. بدین ترتیب، طی سال ۱۳۶۹ کشور از بکستان کار ساخت و ساز کامل راه آهن حیرتان - مزار شریف را آغاز نمود که در نوع خود برای نخستین بار زمینه انتقال محموله ها از سرزمین کشور ما و برعکس آن را فراهم می نماید. در چنین وضعیتی، با راه اندازی فعالیتها و ختم و به سرانجام رسیدن کار ساخت خط

آهن متذکره، بهره برداری و انتقال اموال و کالاهای مورد نیاز بصورت منظم از مسیر یادشده میسر و ممکن گردید. گرچه کار ساخت و ساز راه آهن متذکره به دلایل امنیتی برای مدت زمانی به تعویق افتاد، اما برنامه متذکره از اهمیت اجرایی و حقوقی لازمی برخوردار می باشد. به موجب موقعیت انحصاری راه آهن متذکره، اما کشور ازبکستان با اشاره به ظرفیت های اندک ایستگاه مبدأ، بصورت دوامدار محدودیت هایی را در امر حمل و انتقال محموله ها به افغانستان و برعکس آن ایجاد می نماید. لغو انحصار تحویلهای محموله ها از طریق راه آهن به افغانستان، اقدام دیگریست که در این راستا توسط ازبکستان صورت گرفت. کشورهای قزاقستان و ترکمنستان، کار ساخت و ساز راه آهن بخش اوزن (قزاقستان) - قزل قلعه - بیریکت - اتبیریک (ترکمنستان) - گورگان (ایران) را با وصل راه آهن سه کشور به انجام می رسانند. بنأء، حمل و انتقال اموال و کالاهای مورد نظر از تورغندی با دورزدن راه آهن ازبکستان و از طریق روسیه، اکراین و قزاقستان در مسیر واحدی صورت خواهد گرفت.

مسأله ایکه به ترکمنستان ارتباط می گیرد، از جمله یکی هم اینست که ستراتیژی سیاست خارجی آن کشور، انکشاف مناسبات با افغانستان را بمثابة کشور همجوار در اولویت کاری اش قرار داده است. کشور ترکمنستان به اهمیت فوق العاده مهم ایجاد ثبات و استقرار اوضاع در کشور ما واقف بوده و علاقمند می باشد تا با ختم جنگ و درگیری در همسایگی آن کشور، شرایط اجتماعی - اقتصادی بهبودی حاصل نموده و قبل از همه با تأمین ثبات اقتصادی که فاکتور مهم تثبیت موقعیت کشور ما می باشد، زمینه همکاری های دوجانبه با افغانستان مساعد و مهیا گردد. توسعه و اجرای عملی برنامه های مورد نظر شامل حال اقتصاد کشور ما نیز گردیده و زمینه طرح و اجرای فرآیندهای یکپارچه سازی منطقه یی را فراهم و مهیا می نماید. در اینمورد قبل از همه از طرح برنامه انتقال گاز " تاپی " باید نام برد.

بسیاری ها چنین ادعا می نمایند که جنگ اقتصادی در واقعیت امری ثمر محسوب گردیده و بنابراین، عواملی را که بمثابة محرک قوی پیدایش چنین وضعیتی گردیده و به فاکتور تأثیرگذار بر اوضاع و احوال محسوب می شود، باید پس از شناسایی تحت کنترل قرار داده شده و بصورت همه جانبه با جستجوی منابع جایگزین درآمد حاصله از تجارت مواد مخدر باید جستجو گردد که خود می تواند باعث تغییر وضعیت در زمینه گردد. همچنان ضرورت آن احساس می گردد تا بازیگران منطقه آسیای مرکزی بمنظور ایجاد زیرساخت های مشترکی در زمینه سعی و تلاش نمایند تا نهایتاً در امر رقابت با تجارت و کسب و کار مواد مخدر و با جابجایی بدیل آن، موفقیت هایی را نصیب گردند.

عده ایی چنین می پندارند که طرح های منطقوی بمنظور حل و فصل بحران افغانستان از اهمیت بسزایی برخوردار می باشد، از جمله بصورت مشخص در ازبکستان گروه تماس "۳+۶" تحت رهبری سازمان ملل ایجاد گردید. معنا و مفهوم ابتکار متذکره از این واقعیت ناشی می گردد که معضله کنونی افغانستان باید توسط خود افغان ها و با اشتراک تمامی طرف های ذیدخل قضیه از جمله با سهمگیری ایالات متحده، "ناتو" و روسیه که با مسایل کشور ما از ارتباط تنگاتنگی برخوردار می باشند و همچنان با شرکت مستقیم دول و حاکمیت های سیاسی کشورهای همجوار افغانستان، باید حل و فصل گردد.

در مورد کشورهای دیگر موجود در منطقه از جمله درباره جمهوری قزاقستان باید یادآور شد که افغانستان چه در مناسبات سیاسی و چه در ارتباطات بین الحکومتی، هم در گذشته، هم در حال و همچنان در آینده ها برای آن کشور از اهمیت فوق العاده مهمی برخوردار بوده و این اهمیت را همچنان حفظ خواهد نمود. موضعگیری صلحدوستانه قزاقستان به آن کشور این فرصت را میسر می نماید تا جایگاه و موقفش را در وضعیت کنونی و همچنان در شرایط و اوضاع و احوال بعدی و آینده کشور ما تثبیت نموده و نقش و سهم بسزایی در انکشاف اوضاع افغانستان و اطراف آن ایفا نماید. بدون در نظر داشت اینکه در اوضاع و احوال منطقه ما چه اتفاقاتی در شرف تکوین می باشد، کشور قزاقستان کمک ها و معاونت های بشردوستانه اش را در عرصه های اجتماعی و اقتصادی به مردم کشور ما تداوم خواهد بخشید. قبل بر این، رهبری کشور نامبرده خطوط اساسی ارائه کمک ها و معاونت های ذکر شده را مجدداً خاطر نشان ساخته

و مشخصات سیاست کنونی قزاقستان در قبال کشور ما را تشریح و توضیح نمود که نکات اصلی آن مبتنی بر حمایت کامل از سیاست ائتلاف بین المللی در امر مبارزه علیه حمل و انتقال مواد مخدر، توان بخشی اجتماعی - اقتصادی افغانستان و استفاده و بکارگیری کلیه وسایل و امکانات بمنظور حل و فصل مخاصمات موجود می باشد.

با بررسی کش و قوس های موجود در روابط بین المللی، بیش از هر زمان دیگر، به ضرورت تغییر الگوی مبارزه با چالش های موجود باید تمرکز نمود. تغییر رویکرد نظامی - پولیسی و تعویض آن با استفاده از راهها و وسایل صلح آمیز، پاسخی خواهد بود در جهت حل و فصل آبرومندانه قضایای موجود در کشور.

ارائه معاونت ها و کمک ها به افغان ها بمنظور پاسخگویی در امر ثبات کشور و نجات جامعه افغانی از تقابل و رویارویی های مسلحانه، از ضرورت های کنونی محسوب می گردد، چنین رویکردی باید به اساس و پایه فعالیت های کنشگران بین المللی مبدل گردد. مجدداً یادآور باید شد که بمنظور حل و فصل صلح آمیز قضایا در کشور ما بکارگیری قوه و اصل زور جواب نمی گوید. دستیابی به راهای حل و فصل صلح آمیز و خشکاندن ریشه های اختلاف ها و زورگویی ها از ما می طلبد تا از حرافی و زیاده گویی به پراتیک زندگی اجتماعی مراجعه نموده و قاطعیت در امور و پایداری در حل و فصل منصفانه و عادلانه قضایای موجود را در دستور کار قرار خویش قرار دهیم.

از میان برداشتن منابع تمویل، تجهیز و پرورش جنگ افروزی و انسان کشی باید مورد توجه قرار گیرد، مراکز تولید بنیادگرایی و خشونت مورد حمله قرار داده شده و چنانچه در زبان پښتو معمول می باشد باید دری وری گردیده و امر دق الباب مدرسه های آنطرف خط "دیورند" که بمثابة مراکز تربیه انتحاریون و بنیادگراها محسوب می گردند، باید در زمره اولویت های کاری ما قرار گیرد.

بنیاداً، امنیت در کشور عزیز ما افغانستان، زمینه ها و امکانات ایجاد ثبات پایدار را قبل از همه در منطقه ما و به نفع امنیت و صلح پایدار در سراسر جهان مهیا و میسر می نماید. استقرار اوضاع و ثبات همیشگی در کشور ما به عوامل متعددی وابسته می باشد که می توان در زمینه از منافع سیاسی قدرت ها، عملکردها و کنش سازمان های بین المللی و همچنان مشارکت افغانستان در روند اقتصادی منطقه نام برد. شایان ذکر است که فاکتور اقتصادی بمثابة عنصر مهم ابتکار طرف های ذیدخل و علاقمند به امر ثبات در کشور ما شمرده می شود. بخاطر باید داشت که تنها با استفاده از راهها و وسایل نظامی نمی توان ثبات و امنیت را در منطقه تأمین نمود، بلکه با استفاده و کاربرد وسایل دیگر و سود بردن از ابزارهای متناسب و راهای زودرس و همچنان سهیم ساختن افغانستان در امر همگرایی منطقوی، می توان در این مسیر به دستاوردهای معین و قابل توجهی نایل گردید.

بیستم ماه می سال دوهزار و هفدهم ترسایی